

تقوا

سال اول

مهر ماه ۱۳۰۶

شماره دوم

بقلم آقای تقی زاده

عوامل مهم ترقی اجتماعی

بعضی ملل دنیا در مدارج تمدن خیلی بالا رفته و ترقی نمایانی کرده اند و بعضی دیگر عقب مانده اند ، این مسئله بدیهی است و محتاج بشکرار نیست ، در میان ملل متمدنه هم اختلاف زیادی در درجات ترقی است و فرق عظیمی در قابلیت آنها دیده میشود . اینکه بلژیک در تمدن درجه عالی دارد و حبشه در این باب عقب مانده برهرکسی روشن است . بلغارستان هم مسلماً پایه سويس نرسیده و گرجستان از فنلاند عقب تراست . این مطالب نیز محتاج غور و تعمق زیاد نیست . اما اسپانی و فرانسه هم در مدارج ترقی باهم اختلاف دارند و هم چنین دانمارك با انگلیس و روسیه با امریکا . وقت کافی در این مطالب شخص را باین نتیجه می رساند که تمدن و ترقی ملل عوامل مختلفی دارد که بعضی از آنها بارز و روشن و بدیهی است و بعضی دیگر باریک و عمیق و دقیق و نظری است . گمان می کنم تعمق در این مسائل برای بشروان ملت ایران نتیجه عملی مهمی می تواند بدهد ، و آن توجه بنکات اصلی و عوامل مهم و اساسی تمدن است و صرف قوای عمده اصلاحی بان عواملی که اهم از سایرین بوده و در درجه اولی واقع هستند و در واقع اصل هستند و دیگران فرع و یا کوچک . و چون بنظر اینجانب مهمترین کار پیشوایان اصلاحات تشخیص درجات اهمیت اصلاحات و تقدیم

اهم برهمن است لهذا توجه کامل فائزین مملکت بتقدم و تأخر عوامل تمدن در اهمیت بر یکدیگر مسلماً تأثیر بزرگی در سرعت ترقی و باصطلاح اقتصادی گرفتن حد اعظم نتیجه از سعی و وقت و سرمایه خواهد داشت و چون بلا شك ما با کمی فوق العاده مایه ثروتی و علمی و عقلی و اخلاقی و قوای جسمانی و روحانی و پشت کار در حالت حالیه از همه بیشتر محتاج باین قانون اقتصادی هستیم که از هر مقدار وقت و کار و پول و فکر که صرف میکنیم بانهایت صرفه جوئی حد اعلاهی محصولی را که ممکن است بگیریم و نگذاریم یکساعت وقت و يك اسبقوت (۱) و يك تومان پول و بگنفر تحصیل کرده ما برای تجربه مجربات و یا ایجاد مستحسبات و مستحبات فرعی تمدن صرف و در واقع تلف شود ، بسیار لازم است که هر چه ممکن است از ابتدا راه راست را پیدا کنیم و عوامل اصلی تمدن و ترقی و قدرت را کشف نموده بزرگترین قسمت اوقات و همت و پشت کار و مساعی و پول و نطق و قلم خود یعنی مملکت را در آن رشتهها صرف نموده و بامور دیگر مملکتی از این مایه‌های ملی و اجتماعی خود فقط بقدر ضرورت و حداقل کفاف بکاربریم

مجله « تقدم » اگر چه ظاهراً این اسم را بمعنی ترقی و پیشرفت مملکت در مدارج تمدن اتخاذ کرده بی مناسبت نیست که در تقدم بعضی اصلاحات مهمه مملکتی بر بعضی دیگر نیز سخن راند و لهذا اینجانب در اجابت تقاضای مدیران فاضل مجله برای تحریر سطوری چند در صفحات ان این مبحث را انتخاب کردم

۹۴

بدیهی است که بارزترین عوامل تمدن و ترقی عبارت از علم و تربیت و انتشار انست درجه انتشار تعلیم عمومی و زیادی عده علما و اهل اختصاص علی الاطلاق بزرگترین مایه سعادت و تمدن هر ملتی است و پس از مجهز بودن با علم و هنر و فنون لازمه که کسبی است بر حسب ثروت و نعمت طبیعی خاک و کثرت آب جاری و راکد و جنگلها و معادن و بنادر طبیعی و انصال بدریا های زرك و داشتن کوههای پر برف و آب و هوای معتدل و

(۱) در علوم طبیعی میزان قوت و زور با واحد « اسب » سنجیده میشود

خاك حاصلخیز و زیادى باران و غیره و فقر طبیعى در این چیزها خوش بختى ممالك با همدیگر فرق می‌کند ورنه با داشتن همه نعمات طبیعى در درجه اعلا اگر سکنه زمینی از علم بهره‌مند نباشند، از تمدن و سعادت چندان بهره نخواهند داشت. این مطلب با تمام بداهتى که دارد بر قسمت مظیمى از ارباب حل و عقد این مملکت مسلم نیست و اگر مقالات محررین و خطابات ناطقین ایران را درست ملاحظه کنید هزاران اظهارات مخالف این حقیقت بدیهى خواهید یافت، و البته هرکسى که باظهارات و عقاید پیشروان اجتماعى و سیاسى ما مرتباً مراقب وده می‌داند که چه بسا دیده شده که عقاید جمعى بران است که راه آهن و وسائل مرآوده با ممالك متمدن مهم‌ترین عامل ترقى است و غفلت از ملاحظه حال ممالك افریقا و هندوستان و هند و چین داشته اند که همه‌گونه وسائل تقلیه از قرنى برای انها آماده است و این فقره بهیچ وجه باعث ترقى و تمدن سکنه ان ممالك نشده است. بعضى دیگر عقیده دارند که قوه نظامى مملکت منشاء تمام ترقى انها است و اشخاصى نیز اصول اداره و باصطلاح فرنگى رژیم را اهمیت درجه اول می‌دهند.

۹۵ در صورتى که بدون ترقى علمى مملکت این هر دو عامل جزائر ضعیف چیزى ندارند — لشکر تکیه‌گاه علمى و تربیتى و ثروتى و اخلاقى در مملکت می‌خواهد ورنه مثل جوان نیرومندی است که نه عقل دارد و نه پول و نه اخلاق و نه تجربه. اصول اداره هم محصول پایه ترقى ملت و نماینده انست یعنی متناسب با درجه معرفت و تربیت و اخلاق و ثروت خود ملت است نه عامل اصلی این امور

بعد از علم، اخلاق جبلی ملل یکی از مهم‌ترین عوامل تمدن انها است — درست قولی و مردانگی و شهامت و استواری و درست‌کاری و پر کاری و داشتن پشت کار و خونسردی مایه قوت عمده معنوی يك ملت است و فقدان این اوصاف و وجود نقیض انها هر ملت خوشبختی را هم که دارای جمیع نعمات خدا دادی باشند بمذات می‌برد. ثقل طبیعى هم دخالت عمده در ترقى ملل دارد

امروز که در این سر زمین با فاقد اغلب عوامل ترقی هستیم یعنی علاوه بر فقر طبیعی خاک خود نه علم و تربیت داریم و نه ثروت و نه اخلاق اغلب مسئله غامض می شود که فقدان کدام يك از این عوامل بیشتر موجب انحطاط و تأخر ماست و اگر قدمی جدی برای اصلاح باید برداشته شود از کجا باید شروع شود . به عقیده اینجانب بزرگترین مرض اجتماعی ایران اخلاقی است و اگر چند عیب اخلاقی مهم در ما موجود نبود خیلی پیش از این در راه اصلاح حقیقی می افتادیم و حالا در شاهره ترقی بودیم . فقدان مردانگی و شهامت و حریت قول و عقیده و ایمان و راستی و درستی این مملکت را بد بخت ترین ممالک ساخته و رنگ اصلی هیچ کس معلوم نیست و مانند بوقلمون الوان مختلفه داریم . حس فدا کاری مفقود است و شجاعت اخلاقی معدوم . تملق و ابن الوقتی و اختلاف دل و زبان صفت شایع گشته در این صورت چون شروع به اصلاحی فرع قبول و اعتقاد و استواری دران سعی مستقیم در راه حصول انست بدون صداقت در بیروی عقیده و صراحت قول و حفظ پیمان چگونه اجرای يك عقیده امکان پذیر تواند شد

۹۶

اصلاح اخلاق ملی بچه وسیله ممکن است ؟ بعقیده من این مسئله جز با اشعار کتب مفیده و مخصوصاً ترجمه آثار قلمی نویسندگان مغرب زمین بزبان ملی حصول پذیر نیست ؟ و نشر کتب متفکرین بزرگ دنیا یکی از مؤثر ترین عوامل ایجاد عقیده و فکر و اصلاحات معنوی و اخلاقی است این کتب ایجاد نهضت های علمی و سیاسی و اجتماعی و اخلاقی میکند و بالا تر از همه يك عده پیشوایان با ایمان و شور و عقیده و متفکر بوجود می آورد برای اینکه اشعارات قلمی نتیجه مطلوبه را بدهد . انتشار تعلیم عمومی از اوجب واجبات است

پس از اشعار تعلیم عمومی و با سواد شدن مردم کتب و مقالات مهمه بنظر مردم میرسد و غور در آنها موجب ایجاد عقاید متین شده معایب اجتماعی روشن و تحقیق علل آنها و کشف طرق اصلاح سهلتر میشود بنظر اینجانب یکی از عوامل مؤثره در اصلاح اخلاق تعمیم انواع ورزشها

است و اگر این فقره با تعلیم عمومی و تعلیمات عالیّه توأم شده قسمت عمده همت ارباب حل و عقد و ملت صرف این رشته های مهم شود امید قوی می ژود که این مملکت وارد شاهراه نجات و سعادت بشود

عقیده اینجانب این است که مهم ترین عوامل ترقی علم و تربیت است و قسمتی از اخلاق و صفات و باقی امور تمدن و عوامل ترقی اجتماعی کلاً یا فرع است یا اصل کوچک و درجه دوم و اگر ما بخواهیم در راه تمدن و ترقی و سعادت دنیوی بیفتیم بایستی بیش از همه چیز این دو فقره را در ملل متمدن درجه اول مانند انگلیس و المان و امریکا تقلید کرده و ان ملل را در این امور سرمشق خود قرار داده صدی هشتاد قوای مادی و معنوی خود را سالیان دراز صرف این دو کار بکنیم و گمان می کنم اولین نور امید برای سعادت ملت ما و تمدن ان توجه کامل قاندين ان کما یتبعی باین حقیقت مذکور در فوق یعنی تشخیص اهم امور خواهد بود

بعقیده من اگر شصت کرور تومان پول ایران که فعلاً صرف رشته های مختلف امور ممالک می شود همین طور صرف شود و یا سالی بیست کرور تومان از ان تنها بساختن راهها یا مثلاً تنها به بنای کارخانها یا ترقی فلاحت و ایاری و یا بیسط عدايه و تکمیل ان و یا بتوسعه قوای دفاعیه تخصیص شود بعد از پنجاه سال دیگر مملکت و ملت از بل نجات نمیگذرد و جزو ملل زنده و ممالک متمدن نمیشود لکن تخصیص ده دوازده کرور تومان بترتیب صحیحی برای ترقی علمی و نشر تعلیم در مملکت مسلماً این مملکت را در ده یا نوزده سال دیگر ممکن است داخل دروازه تمدن نماید

اخذ علم و معرفت ملل متمدن اشکال زیادی ندارد در صورتیکه حسن نیت و اراده قطعی و سعی بالغ در کار باشد، لکن اخذ و اقتباس اخلاق کار آسانی نیست و گاهی بعضی از اخلاق در نژاد بعضی ملل بحکم طبیعت سرشته شده است و ملل دیگر از ان صفات جبلی محرومند — در ازمنه سابقه راه تصرف در طبیعت کمتر معلوم بود ولی امروز بحکم بعضی قواعد طبیعی که کشف شده تصرف در طبیعت و حتی تغییر ماهیت هم تا اندازه ممکن گردیده است

مثلاً ثابت شده که تربیت جسمانی تأثیر عظیمی بتدریج در استحکام اخلاق و ثبات و تقویت صفات مردانگی و شهامت دارد و مخصوصاً انواع ورزشهای بدنی و بازیها بمرور زمان نژاد را قوی ساخته و بدن و اعصاب را محکم می‌نماید و بتجربه ثابت شده که سستی اخلاق ارتباط زیادی بسستی جسمانی دارد، و ضعف اراده و عقیده و انهمالك در شهوات و فقدان قوه ماسکه و ضبط نفس از تسلط شهوت و غضب و همچنین تملق و مجامله و تلون و دروغ و نفاق و تزویر صفات اشخاص تنی پرور و ضعیف و سست و علیل است و در پهلوانان و مردان رشید و نیرومند و ورزشگر پیدا نمیشود در زمان قدیم سواری مترادف بانجابت و یگروئی و رشادت و مردانگی و یکحرفی و خوش قولی و سخت پیمانی بوده نجیب ایرانیان را «سواران» و بحریمی «اساوره» می‌گفتند و فرنگیها به مردان ازاده و نجیب خود «شوالیه» می‌گفتند که در اصل بمعنی سواره بوده است. یکی از عوامل تاریخی مهم ترقی اقوام اروپا سرمایه اخلاقی و شهامت و مردانگی امراء و خوانین (فتوادالهای) فرانک و ژرمن و سایر طوایف سر سخت قرون وسطی بود که در برج و باروهای متفرقه و قلاع نیمه مستقل خود صفات استقامت و استقلال رأی و رشادت و سرکشی و حفظ عهد و حمایت زیر دستان و بقول فرنگیها «کاراکتر» و بقول خودمان «صفت مردی» را نسل بنسل نگاه داشتند و یکی از عوامل انحطاط شرق و بالخاصه ایران استیلای جباریه و استبداد مطلق سلاطین قهار بوده که هر گونه صفات انسانیت و استقلال شخصی و قیود مردانگی را زیر پای حکم مطلق خود پایمال ساخته و صفات پهلوانی را که در عهد هخامنشیان و اشکانیان در نژاد ما پروریده شده بود گردنکشی نامیده و رک غیرت را در ملت خود کشتند تا کسی سر بلند و سرافراز در ملک عجم نماند و هر تقاضا و تمایل آنها در هرزمینه که باشد سدی حائل بر نخورد و اگر از آزادگان و بزرگان کشور که دارای نام و ننگ و ناموس و شرف بودند ناموس آنها را بخواهند دو دستی تقدیم کنند و بصمت و عفت و غیرت و تمام اصول مقدسه آنها باسانی تجاوز نمایند

و اگر بر حکم جبارانه سر تهنند سر دهند . نتیجه طول حکم استبداد در این سرزمین که روح افراد ملت را کشته و آنها را مانند بهائم بار بر عاری از خصلت مردی و انسانی کرده و اعمال ظاهری و عقاید باطنی آنها را باشمشیر اداره نموده و ازادی اظهار عقیده و فکر را سلب کرده این شده که می بینیم: از صبح تا شام در بازار با ایمان مغلظه و قسم بتمام مقدسات و روغ گفتن و در محافل سیاسی و اداری تملق باقویاء بمظنه روز و اظهار نقیض عقیده باطنی و عمل بان برای خوش آمد مراکز قوت . ولی در ممالک آزادگان مثلاً انگلستان به بینید درست عکس این قضیه مشهود است . هر انگلیسی پادشاه زندگی خود است و مخصوصاً در انمملکت « اسپور تمن » یعنی ورزشگر معنی شهامت اخلاقی و سر بلندی و عزت نفس را در بر دارد

اغلب پیشوایان سیاسی این مملکت در هر چیز اسم از امریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان میبرند و میل دارند ما نیز در طریق تمدن خود را بانها برسانیم ولی هیچ قدمی جدی در اقتباس عوامل اصلی و اساسی این تمدن بر نمی دارند ، بول این مملکت فقیر بجای اینکه در تعلیم عمومی و تأسیس دارالمعلمین ها و فرستادن هزاران محصلین بخارجه برای فرا گرفتن علم تربیت و فنون حاصلخیز اقتصادی و زراعتی و سعی در بر انداختن تریاک و ترویج فوق العاده انواع ورزش و طبع و نشر کتب عقیده و مخصوصاً ترجمه کتب مهمه و سعی در تکمیل صحت جسمانی و تقویت بنیه بدنی و اقتصادی و عقلی و علمی مردم صرف شود صرف تشکیل و توسعه ادارات ، اقدامات عظیم بخرج و کمر شکن خوش ظاهر ، توسعه غیر متناسب عدایه و پرداختن حقوقی معادل حقوق رئیس جمهور سوئیس بقضات بروجره و کرمان و قزوین و قشنگی خیابانهای پایتخت بخرج رعایای لخت و گرسنه و بدبخت قزوین و کرمان و زنجان و بم و نرماشیر شده و می شود

بودجه معارف تمام ایالت کرمان که یکی از بزرگترین ایالات ایران است در سنه ۱۳۰۴ که بودجه ها منظمأ تحریر شده شانزده هزار تومان و کسری بوده و بودجه معارف زنجان و تمام ولایت خمه سه هزار و سیصد

تومان و کسری و بودجه معارف بروجرد و لرستان سه هزار و پانصد تومان و بودجه معارف کل کردستان پنجهزار و صد تومان است (از اضافه شدن مبلغ عمده بر این ارقام در سال گذشته اطلاع ندارم) در صورتی که شاید از همین ایالت بدبخت کرمان برای مصارف بلدیة شهر طهران معادل شانزده هزار تومان و بلکه بیشتر اخذ می شود، و قطعاً بیشتر از میزانی که برای تعلیم عمومی و ابتدائی مردم آن ایالت صرف می شود بر همان ایالت برای قشنگی شهر طهران و تسکین حس تجمل خواهی فرنگی ما بان «ملت دوست» پایتخت ممالک محروسه تحمیل می شود

خلاصه مقال آنکه تا پیشروان ملت ایران به درجه اهمیت هر يك از عوامل تمدن و ترقی و اصلاحات کما ینبغی متوجه نشوند و بحقیقت امر بر نخورند سیر این مملکت که فعلاً مشهور است رو بکعبه تمدن نخواهد بود بلکه رو بترکستان است و این حرکت نهضت حقیقی ترقی نبوده اتلاف وقت خواهد بود و ما را با ساحل نجات واقعی نمی رساند. ما باید سرترقی ملل دیگر را بحقیقت در یا بیم و مخربات را تجربه نکنیم

مهمترین عامل اصلی تمدن و ترقی علم است و اخلاق و سایر عوامل فرعی است و تالی، اگر صد سال دیگر مملکت ایران خطوط آهن بنا کند و دو ثلث مایه مالی خود را صرف این رشته نماید باز اندازه هیچ کدام از ممالک هندوستان و کونگو و زنگبار و الجزایر خطوط آهن نخواهد داشت، در صورتیکه حال سکه آن ممالک معلومست.

شهر خرطوم پایتخت سودان و طنجه در مراکش و قسطنطین در الجزایر قشنگتر از طهران است. لکن شهر نویه اشترلینز پایتخت مملکت مکلانبورک اشترلینز را خود نگارنده دیدم که فقط واگون اسبی دارد و یکی از دوستان معتمد اینجناب که اخیراً در شهر لیبوا از نادرمهم ممالک نالتیک (۱)

(۱) فعلاً دوم شهر مملکت لتونی است از سنه ۱۸۷۲ مسیحی باین طرف تا راه آهی با مسکو و خارکوف و اورل و سایر بلاد اروپا اتصال دارد و دارای کارخانهای خیلی عمده میباشد و از جمله کارخانه کشتی سازی این شهر قبل از جنگ سالیانه پنجاه کروور تومان صادرات داشت

مقیم بود نقل میکرد که هنوز دران شهر تلفن وجود ندارد
اگر همه ایرانیان را در حال حالیه در یکروز مجبور بتلیس بلباس
و کلاه فرنگی بکنیم نه تنها پله ای از تمدن را بالا نمیروند بلکه بواسطه جبر
و تضییق بر قلوب و احساسات و عواطف و عقاید آنها و سلب اختیار مبلغی
از صفات انسانی خود را هم از دست میدهند .

بالجمله « مصلحت دید من انست که یاران همه کار — بگذارند و
سر طره دانش گیرند » و اگر هم « همه کار را زمین گذاشتن » مبالغه و
غیر عملی است . افلا قسمت اعظم قوای مادی و معنوی و همت و یول
و سعی و عمل خود را صرف ترقی پایه معرفت ملت و تهذیب اخلاق ملی
بکنند و ان نیز بوسیله تعلیم عمومی و فراهم آوردن وسائل ان و فرستادن
محصلین بخارجه و ترویج ورزشها و نشر کتب مفیده بحصول تواند رسید و بس
۲۶ . هر ماه ۱۳۰۶ حسن تقی زاده

سیلیهای تاریخی

- ۱ — سیلی جبلة بن الایهم پادشاه بنی غسان به يك عرب فقیر در
زمان خلیفه ثانی که از ترس قصاص بقسطنطنیه فرار کرده و مسیحی گردید
۲ — سیلی امیر تونس نماینده فرانسه که منجر بقشون کشی دولت
فرانسه و تصرف تونس گردید ۳ — سیلی درویش بيك یکی از نمایندگان
مجلس ملی ترك بهلی بيك نماینده البانی که در نتیجه البانی را از ممالک
عثمانی مجزی نمود ۴ — سیلی بکنتر نظامی اسپانی بامیر عبد الکریم که
موجب شورش مراکش شده و اگر فرانسه دخالت نمیکرد بطور قطع پای
اسپانی را از مراکش میکند ۵ — سیلی شفیق بيك . ژنرال نماینده شام در مجلس
ملی ترك به طلعت باشا که موجب خشم ترکها و اعدام شفیق بيك و بکده
از رؤساء عرب و بالاخره جنک بین ترك و عرب گردید ۶ — سیلی امیر
عبدالله پسر ملک حسین بشریف خالد موجب شد که شریف به نجد رفته و
بفرماندهی او وهابها بسطانت خانواده حسین در حجاز خاتمه دهند .
۷ — سیلی ۱۲ حوت را نیز نباید فراموش کرد